

قسمت هشتم : جهت بازار - کنترل کننده (مالک) بازار

مهمترین نکته در مورد پرایس اکشن این است که ببینیم آیا بازار در روند است و یا در دامنه معاملاتی است، بازار همیشه و در هر تایم فریمی یا در روند است و یا در دامنه معاملاتی است، و اگر نمیدانید که کدام یک از این دو را داریم پس حتما دامنه معاملاتی است. روند واضح است و هر وقت که بازار واضح نبود پس حتما در دامنه معاملاتی است. بازار در یک سایکل تمام نشدنی قرار دارد یعنی یا در روند است و یا در دامنه معاملاتی، وقتی در دامنه معاملاتی باشد آنگاه نهایتا در یک جهت وارد روند میشود، روند میتواند قوی باشد مثل اسپایک یا شکست، هردو یک چیز هستند و بعد از مدتی پولبک و همپوشانی خواهیم داشت و سپس وارد کانال میشود بعد از کانال، وارد دامنه معاملاتی میشویم. پس این دامنه معاملاتی در یک جهت شکسته میشود و دوباره این فرآیند از نوع آغاز میشود.

بازار دارای یک نیروی درونی یا جبر است یعنی برای همیشه کاری که تا الان میکرده را انجام خواهد داد پس باید به این صورت معامله کنید. وقتی بازار در روند است، ۸۰ درصد از تلاش های بازار برای برگشت، به نتیجه نمیرسد پس باید در جهت روند معامله کنید اگر در روند نزولی هستید و بازار در حال برگشت است آنگاه این برگشت به احتمال ۸۰ درصد به پرچم نزولی تبدیل خواهد شد پس باید به دنبال فروش باشید و نخرید. همچنین وقتی بازار در دامنه معاملات میباشد، ۸۰ درصد از تلاش های بازار برای ورود به روند، به نتیجه نمیرسد. پس وقتی بازار در تلاش است که در یک جهت شکسته شود آنگاه ما باید در جهت مخالف آن معامله کنیم، یعنی اگر بازار از سقف قبلی بالاتر برود، منطقی است که بفروشیم تا بخریم اگر مطمئن نیستید که بازار در روند است و یا در دامنه معاملاتی پس حتما در دامنه معاملاتی است. نا اطمینانی، نشانه اصلی برای وجود دامنه معاملاتی است، پس هر وقت مطمئن نیستید، بدونید که بازار در دامنه معاملاتی است.

اگر منتظر پولبک هستید ولی پولبکی شکل نمیگیرد، بدانید که بازار در روند است و وقتی بازار در روند است حتما باید وارد بازار شوید، حتی با حجم کم چون روند برای مدت طولانی، بدون پولبک ادامه خواهد یافت و ممکنه بخشی از روند را از دست بدهید.

منظورم از این که میگم همیشه در جهت روند باشید چیست؟ اگر در لحظه مجبور شوید به بازار ورود کنید همیشه باید در جهت بازار بخرید یا بفروشید معمولاً انتخاب خیلی واضح است و تقریباً همیشه میتونید انتخاب کنید، اگر نمیتوانید بر اساس دو سه یا چهار شمع قبلی تصمیم بگیرید به ۳۰ یا ۴۰ شمع قبلی برگردید و به دنبال آخرین اسپایک های صعودی و نزولی بگردید، اگر بازار در طرف خرید باشد یعنی دلارهای بیشتری برای خرید صرف میشود یعنی مقدار خرید بیشتر است که باعث میشود فشار خرید ایجاد شود پس فشار خرید، قوی تر از فشار فروش است و احتمالاً قیمت ها بالاتر خواهند رفت، پس باید به دنبال خرید باشید. اگر بازار در طرف فروش است یعنی دلار های بیشتری برای فروش صرف میشود، و این فشار فروش را ایجاد میکند، یعنی اینکه فروشندگان در حال به دست گرفتن کنترل بازار هستند پس احتمالاً قیمت ها کاهش یابند و باید به دنبال فروش باشید.

اگر جهت بازار واضح باشد آنگاه باید سریعاً در یک پولبک کوچک وارد بشوید و اگر ایست ضرر شما خیلی دور میشود، ایرادی ندارد به جای آن می توانید با حجم کم معامله کنید پس اگر ایست ضررتون سه برابر حالت عادی است آنگاه به اندازه یک سوم یا یک چهارم از حجم نرمال تون معامله کنید خوبه معامله با حجم کم هیچ ایرادی ندارد یعنی بهتره با هر پوزیشنی وارد شوید، ولی روند را از دست ندهید.

در روند قیمت ها معمولاً در یک جهت حرکت میکنند. و در یک جایی، وارد کانال میشود اکثر اوقات، کانال برای مبتدی ها چندان واضح نیست آنها بهش نگاه میکنند و فکر میکنند که کانال است و مطمئن نیستند ولی احتمالاً کانال است. روند میتواند به کوچکی یک شمع باشد به خاطر داشته باشید که هر شمع روندی، یک روند است از طرف دیگر روند میتواند به بزرگی یک چارت هم باشد.

ویژگی های روند صعودی عبارتند از: مجموعه ای از سقف و کف های بالاتر که در یک کانال صعودی قرار گرفته اند، کف کانال همان خط روند است و سقف کانال هم همان خط روند کانال است از آنجا که هر روند صعودی، سقف ها و کف ها بالاتر شکل میگیرند، پس تا وقتی که سقف ها و کف های بالاتر داشته باشیم، آنگاه روند همچنان باقی است پس سوئینگ تریدرها، ایست ضرر خود را در زیر آخرین کف قرار میدهند، چون اگر بازار از کف قبلی پایین تر برود آنگاه دیگر در روند نیست آنگاه

شرط می بندند که روند ادامه خواهد یافت، اما اگر بازار از کف قبلی پایین تر برود آنگاه فرض آنها غلط بوده و بازار دیگر در روند نیست و یا در دامنه معاملاتی است و یا برگشته است.

در روند نزولی کف و سقف ها پایینتر شکل میگیرند، و در یک کانال نزولی قرار داریم. سقف این کانال، همان خط روند است و کف کانال هم خط روند کانال است همانند روند صعودی در روند نزولی، سقف ها و کف ها پایین تر هستند و تا وقتی که بازار، کف ها و سقف های پایین تری شکل دهد، همچنان در روند نزولی هستیم به همین دلیل سوئینگ تریدرها در زمان فروش، ایست ضرر خود را در بالای آخرین سقف قرار میدهند پس هر دفعه که بازار پایین تر میرود، آنگاه ایست ضرر خود را در سقف پایین تری قرار میدهند چون اگر بازار از آخرین سقف بالاتر برود، آنگاه فرض بر این است که روند نزولی پایان یافته است و بازار وارد دامنه معاملاتی یا روند صعودی شده است.

معامله گران به طور دائم از یکسری کلمات استفاده می کنند. این کلمات تعریف واحدی ندارند در اینجا لیستی از کلمات را داریم که تغییرات بازار را توصیف میکنند و تعریف خود از کلمات را عنوان میکنم. روند، یک حرکت اُریب است که صعودی یا نزولی می باشد و روند، بخش زیادی از صفحه را اشغال میکند و در هر زمان، بیش از دو روند نمیتواند روی صفحه باشد اگر بیشتر ازدو تا بود دیگه از کلمه روند استفاده نمیکنم و کلمه دیگری را به کار خواهیم برد. سوئینگ، گام و پولبک، همگی نوع کوچکتري از روند هستند. سوئینگ، یک روند کوچکتري است و حداقل باید دو تا سوئینگ روی چارت باشد سوئینگ ها می توانند در درون روند باشد و یا در درون دامنه معاملاتی قرار گیرند پس اگر دو یا سه حرکت بالا و پایین روی چارت ببینید میتوانید به آن سوئینگ بگویید. برخی از افراد ، سوئینگ و گام را به جای هم به کار میبرند اما به نظر من گام کوچکتري از سوئینگ است پس گام ، یک روند کوچک است که در درون روند یا دامنه معاملاتی میباشد.

پولبک هم کوچکتري نوع گام است پس اگر در روند صعودی است و بعد به اندازه یک یا پنج یا پانزده شمع پولبک میزند، و بعد شکست صعودی که در ادامه روند شکل میگیرد، یک گام دیگر است. پولبک به معنی توقف در روند است این توقف میتونه برای یک شمع باشه یا برای پنج، ده یا بیست شمع باشد. یعنی تا زمانی که باور داشته باشید که روند ادامه خواهد یافت آنگاه توقف در روند به معنای شکل گیری پولبک است اگر به اندازه دو شمع توقف داشته باشیم و بعد نتوانیم جهت بازار را

پیشبینی کنیم، آنگاه دیگر پولبک نداریم و وارد دامنه معاملاتی شده است. دامنه معاملاتی میتواند به کوچکی یک شمع باشد و یا میتواند کل صفحه را پر کند. دامنه معاملاتی، همان پولبک است اما مشخص نیست که قرار است در کدام جهت شکسته شود، یعنی دیگر مطمئن نیستید که شکست صعودی داریم یا نزولی، پس اگر به دامنه معاملاتی نگاه میکنید و نمیدانید که در کدام جهت شکسته خواهد شد، آنگاه شما در یک دامنه معاملاتی هستید.

دامنه معاملاتی به معنای ساده یعنی نبود روند. اگر بازار در روند نباشد، پس در دامنه معاملاتی است پس اگر روند واضح و مشخصی روی صفحه نباشد، آنگاه بازار در دامنه معاملاتی است و شما باید همانند دامنه معاملاتی آن را معامله کنید، یعنی باید در کف بخرید و در سقف فروشید یا اسکالپ کنید. در درون هر دامنه معاملاتی، روند های کوچک وجود دارد و در درون هر روند هم، چند دامنه معاملاتی کوچک وجود دارد پس اگر یک دامنه معاملاتی بزرگ داشته باشیم، درون آن روند های کوچک وجود دارد. برای مثال اگر در چارت پنج دقیقه ای گام نزولی داشته باشیم و بعد به چارت یک یا دو دقیقه ای برویم میبینیم که یک گام نزولی میتواند یک روند صعودی قوی باشد وقتی در چارت ۶۰ دقیقه ای، یک روند صعودی میبینید، اگر به چارت ۵ دقیقه ای بروید، آنگاه تعداد زیادی پولبک میبینید و این پولبک ها آنقدر بزرگ هستند که شبیه به دامنه معاملاتی است.

مبتدی ها همیشه بدنال پولبک هستند، آنگاه شکست های صعودی و نزولی قوی را میبینند و میدانند که باید ایست ضرر خود را فراتر از شکست قرار بدهند. برای مثال در یک شکست صعودی قوی، می دانند که ایست ضرر شان باید در زیر کف اسپایک باشد که ممکنه از آن چیزی که میخواهند خیلی دورتر باشد آنها نمیخواهند ایست بزرگی داشته باشند و ریسک کمتری میخواهند پس منتظر پولبک میمانند به این امید که بتوانند با ریسک کمتری وارد بشوند. اما مشکل اینه که در روند قوی، بازار قبل از اینکه پولبک بزند راه زیادی را خواهد رفت پس مبتدی ها روندهای بزرگ را از دست میدهند چون می ترسند که ضرر زیادی بکنند و آن هم به خاطر این است که ایست ضرر بزرگی دارند. این افراد همانند موسسات عمل نمی کنند اگر می خواهید به عنوان معامله گر پول در بیاورید باید کاری که موسسات میکنند را انجام بدهید و اگر بازار بدون خستگی در حال افزایش است یعنی موسسات هم بدون خستگی در حال خرید هستند و شما هم باید این کار را بکنید اگر میخواهید

پول در بیاورید باید کاری که آنها میکنند را بکنید و آنها دارند میخرند و این را هم میدوند که ایست ضرر شون خیلی دوره و این مشکلی نداره اگر میخواهید پول در بیاورید باید این کار را بکنید با حجم کم بخرید و ایست ضرر هم دور باشد.

گاهی اوقات به چارت نگاه میکنید و دلیل خوبی برای خرید میبینید، اما یک دقیقه بعد دوباره بهش نگاه میکنید و میگویید صبر کن ببینم، برای فروش هم دلیل خوبی داریم یعنی گیج شده اید و این نشانه وجود دامنه معاملاتی است. هر وقت گیج شدید بدانید که بازار در دامنه معاملاتی است پس باید روش معامله گری خود را با دامنه معاملاتی تطبیق دهید وقتی بازار در روند است فقط معاملاتی که در جهت روند هستند را انجام بدهید و سعی کنید بخشی یا همه پوزیشن خود را سوئینگ کنید یعنی اجازه بدهید سودتان زیاد شود و یاد بگیرید که خیلی زود خارج نشوید.

وقتی بازار در دامنه معاملاتی است باید در جهت مخالف روند معامله کنید، پس اگر بازار در حال افزایش است به جای اینکه منتظر شکست باشید، باید منتظر برگشت باشید یعنی باید در سقف بفروشید و در کف بخرید. پس وقتی بازار داره به کف نزدیک میشه و میخواد به سمت بالا برگرده، باید بخرید، وجود اسپایک نزولی ممکنه این جوری به نظر برسه که بازار پایینتر خواهد رفت اما ۸۰ درصد از مواقع پایینتر نخواهد رفت و باید به دنبال برگشت باشید پس در دامنه معاملاتی همیشه به دنبال این باشید که در نزدیکی کف بخرید و در نزدیکی سقف بفروشید، اما در روند کاملاً بر خلاف این را انجام بدهید یعنی وقتی بازار در حال افزایش است شما باید بخرید. از آنجا که در دامنه معاملاتی بازار دائماً بالا و پایین میشود پس باید اسکالپ کنید یا حداقل، این بهترین روش برای معامله در دامنه معاملاتی است.

همیشه از ایست حفاظتی استفاده کنید و آن را در تمام معاملات به کار بگیرید یعنی هم در دامنه معاملاتی و هم در روند، ایست ضرر را در بازار قرار بدهید. و نه فقط در ذهنتون، ایست ضرر برای محافظت از شماست. پس بازار همیشه یا در روند است یا در دامنه معاملاتی در اینجا یک دامنه معاملاتی داریم و در اینجا هم یکی دیگر اگر روند را تشخیص نمیدهید پس در دامنه معاملاتی هستیم و باید همانند دامنه معاملاتی آن را معامله کنیم.

The Market Is Either In A Trend Or A Trading Range



هر شمع، یا یک شمع روندی است یا یک شمع اصلاحی است. اگر بدنه شمع، بزرگ و سایه های آن کوچک باشد آنگاه شمع روندی داریم و اگر بدنه شمع کوچک و سایه های آن بزرگ باشد آنگاه شمع اصلاحی داریم. وقتی نمیدانید شمع موردنظر جزو کدام دسته است، همیشه به جایی که قرار گرفته است نگاه کنید، اگر شمع با بدنه کوچک در روند قوی قرار گرفته باشد آنگاه بیشتر شبیه به شمع روندی است. اگر شمع، بدنه بزرگی دارد ولی در دامنه معاملاتی است و سایر شمع ها هم سایه بزرگی دارند و همپوشان هستند و برگشت هم زیاد داریم، آنگاه شمع اصلاحی داریم. هر سایه ای که در بالا یا پایین شمع ها می بینید، در واقع یک تلاش ناکام برای شکست بوده است. سایه بالایی به این معنی است که در یک لحظه قیمت پایانی در بالای شمع بوده و آن شمع احتمالاً یک شمع روندی قوی بوده است و بعد این سایه شکل گرفته چون تلاش برای شکست به نتیجه نرسیده و بازار تا قیمت پایانی کاهش یافته است.

پس هر شمع یا روندی است یا اصلاحی این شمع های آبی رنگ، شمع های روندی هستند شمع صعودی، شمع نزولی اینها شمع های روندی هستند و اینها که بدنه کوچک و سایه بلندی دارند، شمع های اصلاحی هستند پس هر شمع میتواند یک روند باشد یا یک دامنه معاملاتی. هر سایه

یعنی یک شکست ناکام داشتیم پس این جا سایه بالایی داریم در این شمع، قیمت پایانی در این پایین بوده یعنی در زیر کف شمع قبلی بوده، پس این یک شمع نزولی قوی بوده که برای مدت کوتاهی، کف شمع قبلی را شکسته بوده اما در نهایت بالاتر از قیمت باز در شمع قبلی بسته شده و به یک شکست ناکام تبدیل شده است. در اینجا در بالای دامنه معاملاتی هم یک شکست ناکام داریم گاهی این حالت برگشتی در دوشمع شکل میگیرد و مثل این جا سایه های پایینی نشان دهنده تلاش ناکام برای شکست است.

Every Tail Is A Failed Breakout



شمع یا شمع های روندی همگی نشان دهنده شکست هستند که من بهشون اسپایک هم میگویم هر شمع روندی نیز یک شکاف هم میباشد اگر در ابتدای روند باشد، آنگاه شکاف فراری است، شکاف اندازه گیری، در وسط روند شکل میگیرد و شکاف خستگی در انتهای روند شکل میگیرد. پس هر شمع روندی یک شکاف است هرچند ممکنه در چارت پنج دقیقه ای شکاف نبینید، اما باید هر شمع روندی را به عنوان شکست و شکاف ببینید. همچنین هر شمع روندی یک کلایمکس نیز هست که بعضی مواقع بر میگردد و گاهی اوقات هم بر نمی گردد اما باید هر شمع روندی را به عنوان شکست، شکاف و کلایمکس ببینید.



به خاطر داشته باشید که هر شمع روندی، در واقع یک شکست، شکاف و کلایمکس است و اکثر اوقات نمی‌دونید که کدام یک از این سه تا هست اما محل قرارگیری آنها به شما می‌گوید که کدام یک از این هاست. در اینجا یک شکست داریم که د زیر کف شمع قبلی بسته شده و یک شمع روندی خیلی بزرگ است. به شکست، اسپایک هم می‌گوییم اینجا یک اسپایک صعودی یا شکست صعودی داریم که کانال و دامنه معاملاتی را شکسته اما در نهایت به نتیجه نرسیده است. در اینجا قیمت پایانی این شمع، د زیر کف شمع قبلی و کف آن روز قرار گرفته پس می‌تونید این را به عنوان شکاف ببینید اما بازار برگشته و صعودی شده است. بازار به اندازه دوازده تا شمع نزولی بوده و در آخر، این شمع روندی بزرگ به عنوان شکاف خستگی عمل کرده است که آخرین شکاف در روند است در اینجا هم یک شکاف خستگی در سقف داریم، بین کف شمع بعدی و سقف دو شمع قبلی، شکاف وجود دارد و سپس شکاف پر شد و بازار در جهت نزولی برگشته است. گاهی اوقات یک شکست خواهید داشت مثلاً در اینجا پرچم صعودی در جهت پایین شکست شده است و بعد باید به اندازه مشخصی پایین برود پس این شکاف اندازه‌گیری است و می‌بینید که بازار در محلی که علامت زده ایم برگشته است.

Every Gap is a Trend Bar



هر شکاف، یک شمع روندی است و هر شمع روندی هم یک شکاف است در سمت راست چارت پنج دقیقه ای ایمنی را داریم و میبینیم که جای شکاف خالی است این جای خالی همانند یک شمع روندی عمل میکند. در سمت چپ شاخص اس اند پی را داریم. همانطور که می بینیم در قرارداد آتی شکاف داریم اما در چارت پنج دقیقه ای در شاخص گش، یک اسپایک داریم پس شکاف و اسپایک از نظر عملکرد یکی هستند.

در اینجا دو مثال از ای تی اف داریم، این طرف اف ای اس است که آتی اهرم دار است و در راست، آر کی اچ را داریم، و در راست آر کی اچ را داریم که مشابه اف ای اس است اما حجم آن کمتر است به این شکاف ها نگاه کنید، میتونید شکاف های واقعی را ببینید از آنجا که حجم معاملات کم هست وقتی بازار از یک جا به جای دیگر میپرد، معامله ای صورت نمیگیرد اما چارت سمت چپ را ببینید که حجم سنگینی دارد، اینها از سهام یکسان و مشابه ای هستند. می بینیم که به جای شکاف، شمع روندی داریم پس در چارت سمت راست شکاف داریم و در چارت سمت چپ شمع روندی داریم باید شکاف را همانند شمع روندی و شمع روندی را همانند شکاف در نظر بگیرید شکافی که در بالای روند شکل میگیرد شکاف فراری است. گاهی اوقات، شکاف در محل شکست رخ می دهد. مثلا اینجا

در بالای دامنه معاملاتی شکاف داریم که شکاف اندازه گیری است. وقتی شکاف در انتهای روند شکل می گیرد آنگاه شکاف خستگی داریم که نشان دهنده این است که بازار احتمالا پولبک بزند یا کلا برگردد.



هر شمع روندی هم شکاف است در اینج ا چارت آرکی ایچ در مقابل اف ای اس را داریم که قرارداد های آتی مشابه هستند و همانطور که میبینید تمام شمع های روندی در سمت چپ همانند شکاف ها در سمت راست هستند. من شمع های مورد نظر را شماره گذاری کردم مثلا در چارت چپ، سه شمع صعودی شکل گرفته و بعد به شمع پنجم رسیده ایم اما در سمت راست شمع پنجم از چند شکاف تشکیل شده است.

@SalarFakhr